

چارلز وری ایچمز

نوشته: ماریا آنتونیانا کریپا
ترجمه: سپیده مهرجویا



نشریاز داگروه نشریات
سازمان چاپ و نشر

www.ketab.ir

سرشناسه	: کونینگ، گلوریا Koenig, Gloria
عنوان و نام پدیدآور	: چارلز و ری ایمز / نویسنده گلوریا کونینگ؛ مترجم سپیده مهرجویا.
مشخصات نشر	: تهران: یزدا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ ص: مصور (رنگی).
فروست	: مشاهیر معماری ایران و جهان؛ ۲۴.
وضعیت فهرستنویسی	: فیپا
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۰۵۳-۶
یادداشت	: عنوان اصلی: Charles & Ray Eames: 1907-1978, 1912- 1988 : pioneers of mid-century Modernism, 2005 .
موضوع	: ایمز، چارلز، ۱۹۰۷ - ۱۹۷۸ م.
موضوع	: Eames, Charles :
موضوع	: ایمز، ری، ۱۹۱۲ - ۱۹۸۸ م.
موضوع	: Eames, Ray :
موضوع	: طراحان - ایالات متحده - سرگذشتنامه
شناسه افزوده	: مهرجویا، سپیده، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ک ۹ / ۱۴۰۴ NK
رده‌بندی دیویی	: ۷۴۵/۴۴۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۷۰۶۶۷

چارلز و ری ایمز

نوشته‌ی: گلوریا کونینگ / ترجمه‌ی: سپیده مهرجویا

ناشر: یزدا / چاپ اول: ۱۳۹۸ / قطع: وزیری / تعداد صفحات: ۱۰۴ صفحه /
آماده‌سازی قبل از چاپ: ماهنامه‌ی تفکر معماری / مدیر تولید: قاسم حسینی /
چاپ و صحافی: یزدا / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / بها: ۳۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-165-053-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۵-۰۵۳-۶

نقد و بررسی‌ها و گروه‌های منتقدین

دفتر نشر و نمایشگاه دائمی: تهران، سیدخندان، خیابان ارسباران، کوچه‌ی ستاری، شماره‌ی ۲۲،
ساختمان یزدا دورنگار: ۲۲۸۸۵۶۵۱ (۰۲۱) تلفن: ۲۲۸۸۵۶۴۷-۵۰ (۰۲۱)

توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۲۸/۱/۱۱ و همچنین قانون
ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب سال ۱۳۵۰ تمام حقوق این اثر به هر نحو برای نشر یزدا
محفوظ است. نشر و پخش تمام یا قسمتی از این کتاب بدون اجازه از ناشر، باعث پیگرد قانونی خواهد شد.

www.yazdamarket.com

خرید آنلاین:

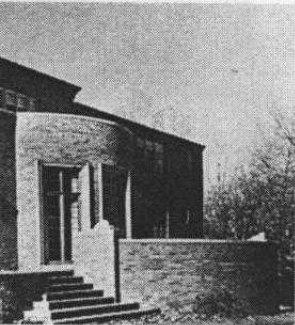
https://www.instagram.com/yazdamarket/

اینستاگرام:

فهرست

۷	 مقدمه
۲۰	 صندلی‌های آزمایشی از تخته‌ی چندلا
۲۳	 تولید محصولات با استفاده از قالب‌های تخته‌ی چندلا
۲۷	 جلد‌های مجله‌ی هنر و معماری
۲۹	 مبلمان تخته‌ی چندلا
۳۵	 خانه‌ی مو: بررسی شماره‌ی هشت
۴۳	 خانه‌ی مو: بررسی شماره‌ی نه
۴۸	 موزه‌ی هنر درن
۵۳	 نمایشگاه هرمن ملر
۵۴	 واحدهای ذخیره
۵۶	 ویتترین‌های نمایش فروشگاه پیر، اسکات
۵۹	 صندلی‌های پلاستیکی
۶۳	 صندلی‌های مشبک
۶۵	 خانه‌ی کارت‌ها
۶۶	 خانه‌ی کوئیکست
۶۷	 خانه‌ی مکس دی پری
۶۸	 صندلی راحتی و زیرپایی
۷۰	 فیلم روز مردگان
۷۲	 مجموعه صندلی‌های آلومینیومی
۷۵	 نمایشگاه: ریاضیات
۷۹	 صندلی تک نفره‌ی متصل به هم
۸۱	 غرفه‌ی آی. بی. ام
۸۳	 نمایشگاه: عکاسی و شهر
۸۵	 فیلم: برگ موز
۸۶	 فیلم: توان ده
۹۳	 زندگی و آثار چارلز ایمز و ری کیسر
۹۹	 کتابشناسی
۱۰۰	 پی‌نوشت‌ها

مقدمه



دفتر معماری ایمز و والش،
خانه‌ی میر، روستای هانتلی،
میسوری، ۱۹۳۸-۱۹۳۶

چارلز و ری ایمز در کنار یکدیگر دنیا را به لرزه درآوردند و با تاثیری که از خود برجای گذاشتند، آن را دستخوش تغییر کردند. آن‌ها زن و شوهری بودند که در قرن بیست خوش درخشیدند و به اعمال حیرت‌انگیزی مبادرت ورزیدند. آن‌ها در دفتر کارشان واقع در بلوار واشنگتن (ونیز، کالیفرنیا)، شماره ۹۰۱، طرح منحصر به فرد خود را برنامه‌ریزی کردند. آن‌ها با این طرح در نظر داشتند، به این پاسخ دست یابند که دنیا چه عملکردی دارد و طراح چگونه می‌تواند زندگی افراد را در دنیایی که به‌سر می‌برند، ارتقا ببخشد. آن‌ها هر آنچه علاقه‌شان را به‌خود جلب می‌کرد، نقض کرده و با پشت‌نمایی مسرعه هدفی را که انتخاب می‌کردند تا رسیدن به نتیجه‌ی منطقی دنبال می‌کردند. آن شیوه‌ای بود که آن‌ها در هر کاری آغاز کردند، موثر واقع شد؛ چه در خانه مطالعه‌ی موردی و در فیلم‌های بی‌شمارشان از جمله «توان ده» و چه در مجموعه نمایشگاه‌هایی که در سراسر دنیا عرضه شد یا از همه سرسبزتر، به بلمان.

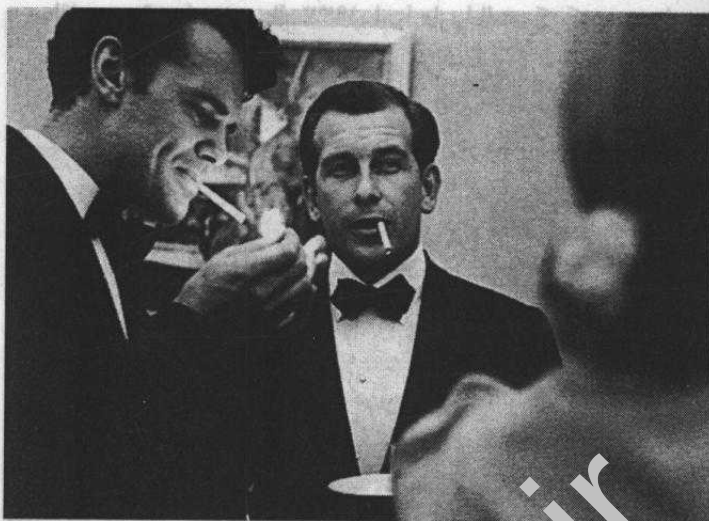
راه‌کار اصلی دفتر ایمز براساس گفته‌ی ج. ر.ز این‌گونه توصیف شد: «بهترین چیزها را برای افراد بی‌شمار به‌ارمغان می‌آورم». آن‌ها در طول سالیان همین کار را انجام دادند و این شیوه را به‌عنوان مراثی ماندگار از طراحی متمایزشان به‌جای گذاشتند.

«اگرچه تعدادی چهره‌ی قابل توجه در جهان طراحی در دهه ۱۹۵۰ پس از فستیوال بریتانیا پدیدار شدند؛ اما هیچ‌یک نتوانستند، از نظر تولید شخصیت، تاثیر چشم‌گیری را که چارلز ایمز از خود برجای نهاد، تکرار کنند. بدون شک صندلی ایمز، اولین پیشرفت مهم را در طراحی صندلی پس از صندلی‌های بروردر سال ۱۹۲۸ ایجاد کرد. پس از آن، دستاوردهایی از قبیل، فیلم، اسباب‌بازی، تحقیقات علمی، تورهای سخنرانی، نمایشگاه‌های تخصصی، سه نسل دیگر از طراحی صندلی‌ها و... تعداد چشم‌گیری جوایز و تحسین برای او به‌ارمغان آمد.» آنچه نقل شد، از مشاوده‌های مورخ معماری، اهل بریتانیا، رینر بانهام^۲ در کتابش با نام *طراحی با انتخاب* بود که در سال ۱۹۸۱ به‌چاپ رسید. این کتاب بیانگر حیرت و تحسین به‌وجودآمده‌ی ناشی از معماری و طراحی صنعتی دفتر چارلز و ری ایمز در دنیای هنر بود. چارلز ایمز در سنت لوئیس، میسوری، در ۱۷ ژوئن ۱۹۰۷ در خانواده‌ای که براساس گفته‌ی او «طبقه‌ی بلندمرتبه و محترم جامعه» بود، به دنیا آمد.

پدرش، کهنه‌سرباز جنگ داخلی بود و برای دفتر کار آگاه پینکرتون^۲ کار می‌کرد و بعدها در پست نگهبان ایستگاه راه‌آهن یونیون^۳ مشغول به کار شد. مادرش خانه‌دار سنتی و مادر خوبی برای او و خواهرش، آدله^۴، بود. خانواده با فوت پدر در سال ۱۹۲۱، به همراه دیگر اقوام نقل مکان کردند؛ زیرا نمی‌توانستند با مستمری ماهانه‌ی سی دلار بیوه‌ی جنگ داخلی زندگی را بگذرانند. چارلز از ده‌سالگی برای کمک به خانواده کار کرد. او در چاپخانه، سوپرمارکت و داروخانه کار کرد و در سن چهارده‌سالگی در دبیرستان یتیم^۵ ثبت نام کرد و در کارخانه‌ی فولاد لاکلده^۶ به صورت کارگر نیمه‌وقت مشغول به کار شد. او طراحی، مهندسی و معماری را در آنجا فرا گرفت و در همانجا بود که ایده‌ی معمارشدن ذهن او را به خود مشغول کرد. فعالیت او در دبیرستان نشان از موفقیت‌های آتی او بود. او کاپیتان تیم فوتبال، ستاره‌ی موسیقی و نماینده‌ی کلاس در مقطع متوسط بود و در مراسم فارغ‌التحصیلی مدرسه برای ایراد سخنرانی خداحافظی برگزیده شد. او در سال ۱۹۲۵ در سالنامه‌ی مدرسه این‌گونه توصیف شد: «او مردی آرمان‌گرا و هدفمند است و با شجاعت تمام خدمت اهدافش است و توانایی رسیدن به آن‌ها را دارد.»

او در دانشگاه واشنگتن در سنت لوییس، دانشجوی ممتاز رشته‌ی معماری بود. به قدری پیشرفت کرد که برای مدیریت ورودی‌های سال اول برگزیده شد^۷؛ اما با برنامه‌ی تحصیلی موافق نبود. این برنامه براساس سبک هنرهای زیبا در معماری کلاسیک و سنتی بود و دانشجویان را ملزم به پیروی از قواعد مربوط به آن می‌کرد. به نظر چارلز چیزی جز محدودیت دربرداشت. او از شخصیت بسیار مستقلی برخوردار و به دنبال علاقه‌هایش بود؛ حتا هنگامی که کاملاً با اصول متداول در مدرسه در تضاد بود. او به سبک فرانک لویید رایت علاقه پیدا کرد^۸ و او را عامل ضروری در همه‌ی برنامه‌های آموزش معماری می‌دانست؛ اما نمی‌توانست از آثار رایت برای موضوع مطالعه به اساتید اصرار ورزید، به عنوان مثال، به جوج و سرسخت شناخته شد. به او توصیه شد که دست از دفاع از رایت بردارد و سرپیچی او منجر به اخراجش از دانشگاه شد و در سابقه‌ی کاری^۹ ثبت شد: «دیدگاه‌های وی بسیار مدرن بود.»

چارلز هنگامی که هنوز در دانشگاه واشنگتن بود، همسر اولش را ملاقات کرد. کاترین دووی ووثرمن^{۱۰}، دانشجوی معماری بود که پیش از این مدرک لیسانسش را از دانشگاه واسا^{۱۱} اخذ کرده بود. او اولین زنی بود که در برنامه‌ی آموزش معماری دانشگاه پذیرفته شد. او دختر فردریک ووثرمن^{۱۲}، مهندس راه و ساختمان برجسته و بانفوذ سنت لوییس بود. او نیز در همین دانشگاه تحصیل کرده بود. چارلز و کاترین در ۷ ژوئن ۱۹۲۹ ازدواج کردند و بلافاصله برای ماه عسل عازم اروپا شدند؛ این سفر درواقع هدیه‌ی والدین کاترین بود. آن‌ها در طی سفر از معماری کلاسیک فرانسه، انگلستان، آلمان و همچنین از آثار به سبک بین‌المللی لوکوربوزیه، والتر



چارلز به همراه ائرو سارینن در مهمانی فرهنگستان کرنبروک، ۱۹۴۰

گروپیوس و میس فاسر رو بدن کردند.

این زوج جوان با بازداشت از اروپا دیدن آثار معماری، خود را افسرده دیدند. چارلز به این نتیجه رسید که «تأثیرات مودرن، تاسیس دفتر معماری مخصوص به خود بود. او این کار را با «انتگرال گری»^{۱۱} و بعدها «الترائولی»^{۱۲} انجام داد. این شرکت از انجام هیچ کاری سر باز نمی زد، مانند پذیرفتن پیشنهاد ساخت خانه‌ی سوئیتزر.^{۱۳} این ساختمان سازهای با آجر قرمز و با تزئین‌های سفیدرنگ و نمونه‌ی به‌روزشده‌ی سبک، کلنی در آمریکا بود. آن‌ها همچنین بازسازی کلیسای «زوار گروهی»^{۱۴}، یعنی همان کلیسای که چارلز و کاترین در آن ازدواج کردند را نیز انجام دادند. آن‌ها به این کلیسا، مناره، تعدادی در، شیشه‌بندی منقوش و تجهیزهای روشنایی اضافه کردند که همگی نشانه‌ی حساسیت چارلز به مکتب مدرنیست بود. دو منزل مسکونی در دیگر نیز توسط شرکت آن‌ها ساخته شد. لوسیا دووی ایمز^{۱۵} تنها فرزند چارلز در اکتبر سال ۱۹۳۰، زمانی به دنیا آمد که او به‌سختی به‌دنبال تامین امرار معاش بود. او به‌منظور تامین امور زندگی، در هر زمینه‌ای مشغول به‌کار شد. ازجمله‌ی این کارها، اندازه‌گیری ساختمان برای شرکت ورکز پروگرس^{۱۶} (WPA) بود. رئیس جمهور، فرانکلین دلانو روزولت^{۱۷} این شرکت را به‌منظور کمک به کاهش میزان بیکاری تاسیس کرد که به‌سرعت در سراسر کشور شناخته شد. این دوران، دوران سختی در تاریخ آمریکا بود و چارلز شاهد بود که دوستان و همکارانش کاملاً به فراموشی سپرده می‌شوند. او هر شب از سر ناامیدی این تصمیم به ذهنش خطور می‌کرد که همسر و فرزندش را قبل از ترک کردن، به‌دست والدین همسرش بسپارد و با ۷۵ سنتی که در جیبش دارد، راهی مکزیک بشود.

اقامت موقتی او در سال ۱۹۳۳، او را عازم ایالت مکزیکي سن لویس پوستان^۸، شهر مونتری و مناطق روستایی بی‌شماری کرد. او سفر کرد و غرق در فرهنگ محیط پیرامونش شد. او تابلوهای نقاشی‌اش را که با آبرنگ کشیده بود، در ازای غذا معامله می‌کرد. چارلز در مکزیک دریافت که «آدمی برای بقا به کمترین مقدار ممکن نیاز دارد.» گرمای بی‌حد و حصر، آفتاب، خاک و رنگ‌های وحشی از تجربه‌های اصلی او و مفاهیم الهام‌بخشی بودند که در ذهن او متبلور شد و به‌منظور استفاده‌های بعدی در کالبد اثری که قرار بود بعدها جان بگیرد، در حافظه‌اش ذخیره شد. او این بار، اما سرزنده به سنت لویس بازگشت و با دوستش، رابرت والش^۹، دفتر معماری جدیدی را با نام «ایمز و والش» تأسیس کرد. آن‌ها چند ساختمان، مانند خانه‌ی دینسمرو^{۱۰}، خانه‌ی دین^{۱۱}، خانه‌ی میر^{۱۲} و دو کلیسا در آرکانساس^{۱۳} را بنا کردند. یکی از این ساختمان‌ها، کلیسای کاتولیک رومی سن مری^{۱۴} در هلنا^{۱۵} بود که در مجله‌ی گزارش معماری به‌چاپ رسید. معماری این کلیسا، نظر معمار فنلاندی، الیل سارینن، را به‌خود جلب کرد. او تحت تأثیر حس مدرنیسم در بناهای سنتی قرار گرفت، مانند تجهیزهای روشنایی منحصربه‌فرد که از این راهرو به‌سمت محراب منتهی می‌شد و تجسم خورشید، ماه و ستارگان در زمین خاکی بود. سارینن که مدیر فرهنگستان هنر کرنبروک^{۱۶} در میشیگان^{۱۷} بود، در نامه‌ای به این شرکت، درباره‌ی پروژه‌های مربوط به طراحی و بلورن آ‌ها سوال‌هایی پرسید. وقتی چارلز پیشنهاد ساخت خانه‌ی میر، برترین کار را تا آن زمان دریافت کرد، این موضوع را با سارینن مطرح کرد. او در جریان ساخت‌وساز به کرنبروک رفت و در آنجا با پذیرفتن عضویت هیئت‌علمی، اولین نرم را در رشته‌ی نقشه‌کشی شهری در سپتامبر ۱۹۳۸ آغاز کرد.

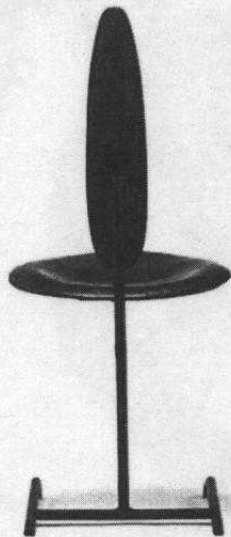
ری ایمز، با نام برنیس الکساندر نیسپ^{۱۸} در ساکرامنتو،^{۱۹} کالیفرنیا در ۱۵ دسامبر ۱۹۱۲ به دنیا آمد. در خانواده‌ی او با وجود اسم کوچکش ری‌ری صدا می‌کردند و بعدها او را ری، اسمی که او در سراسر زندگی‌اش از آن استفاده کرد، صدا می‌زدند. پدرش که از سال جوانی در زمینه‌ی تئاتر فعالیت داشت، به‌منظور مدیریت گرند تیترو^{۲۰} به ساکرامنتو فرستاده شد. او در محیطی گرم و مطمئن بزرگ شد، شاید به‌دلیل مرگ ناگهانی خواهر بزرگ‌ترش در سن دوسالگی بیش‌از اندازه به او توجه شد. او تنها سه سال بعد از شروع به طراحی، تمایل زود هنگامش را مانند یک هنرمند نمایان کرد. او چند سال بعد، زیر نظر یک مربی محلی که عضو گروه باله‌ی روسیه بود، باله را فراگرفت. مربی‌اش این چنین از او یاد کرد: «خصوصیت اصلی او، علاقه‌ی بیش‌ازحد، نظم و هماهنگی بود.» او در دبیرستان ساکرامنتو در رشته‌ی هنر بسیار توانا بود و به باشگاه هنری ملحق شد و به‌طور مستمر در دفتر یادداشت‌هایش طراحی می‌کرد. او در فوریه‌ی ۱۹۳۱ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد. او به‌قدر کافی در کالج ساکرامنتو حضور داشت که



صندلی خلبان از تخته چنودلا

نمونه‌ی اولیه و اثری از دفتر ایمز برای نمایشگاه موزه‌ی هنر مدرن در سال ۱۹۴۸ با نام «مسابقه‌ی بین‌المللی برای طراحی مبلمان ارزان‌قیمت»

این صندلی کوچک نمونه‌ی آزمایشی است که با استفاده از کمترین مصالح، بیشترین آسایش را فراهم می‌کند.



چارلز و ری در آپارتمان استراتمور در وستوود



بتواند برای چند مدرسه، به جز شرقی بسازد. سرانجام او در مدرسه‌ی می
فرند بنت^{۳۱} در میل بروک^{۳۲}، واقع در نیویورک پذیرفته شد. این مدرسه،
بهترین آموزشگاه برای دختران جوان^{۳۳} بود. او تا آغاز کلاس‌ها در سپتامبر
۱۹۳۱ با مادرش سراسر کشور را دور زد.

ری در محیط شاداب و باشکوه روستاهای مادر^{۳۴} در کلاس‌ها حضور
یافت و دو سال تحصیلی را در مدرسه‌ی بنت به پایان رساند. او درباره‌ی
محیط آنجا چنین نوشت: «همه چیز بی نهایت زیبا بود».

او به مجرد اینکه فارغ التحصیل شد، به منهدم کردن مکان کرد و در
اتحادیه‌ی دانشجویان هنر ثبت نام کرد. این اتحادیه جایزه ده به ناهنده‌ای
سیاسی، نقاشی آلمانی، به نام هانس هافمن^{۳۵} با احترام به آیین رانجا
تدریس می‌کرد. وقتی هافمن مدرسه‌اش را افتتاح کرد، او و تعداد دیگری
از دانشجویان در اتحادیه‌ی دانشجویان هنر با هافمن به مدرسه‌اش رفتند.
حضور در مدرسه‌ی هافمن و کار با او بیش از شش سال، یک تجربه‌ی
شخصی در زندگی حرفه‌ای ری کیسر بود. کلاس‌ها در منهدم در روز با
فعالیت‌های شبانه، مانند تئاتر برادوی^{۳۶}، فیلم، مراسم افتتاحیه‌ی گالری و
همه‌ی سرگرمی‌هایی که شهر نیویورک عرضه می‌کرد، ارتقا می‌یافت. آن‌ها
در تابستان به دماغه‌ی کاد^{۳۷} می‌رفتند؛ زیرا هافمن در آنجا در استودیوی
پراوینس تاون^{۳۸} کلاس برگزار می‌کرد. هافمن استادی سخت‌گیر بود. او
طراحی‌ها و تفاسیر بی‌شماری از دانشجویانش طلب می‌کرد؛ اما تأکیدش
بر درک روابط اصلی در سازه و رنگ از جمله مفاهیمی بودند که در آثار ری
کیسر در سراسر زندگی‌اش حضور داشتند.

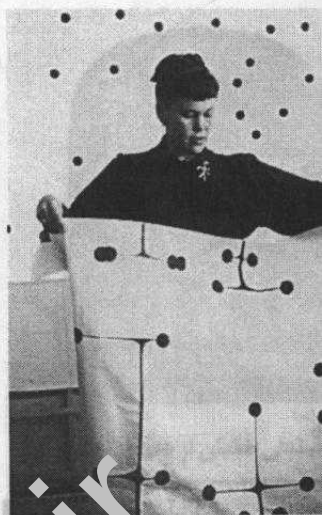
او در سال ۱۹۳۶ عضو مؤسس گروه افراطی، موسوم به هنرمندان

آبستری آمریکا^{۳۸} (AAA) شد. او انرژی و زمان بسیاری را برای ترتیب نشست‌هایی درباره‌ی ترویج حقوق مدرنیست انتزاعی سپری کرد تا آثاری که از نظر آن‌ها پنهان بود، در موزه‌ها و گالری‌های شهر در معرض نمایش قرار بگیرد. نقاشی‌های ری کیسر در اولین نمایشگاه AAA، در گالری هنر منهن به نمایش گذاشته شد و آثار هنرمندانی مانند لی کراسنر^{۳۹}، لازلو موهولی ناگی^{۴۰} و فرناند لژه^{۴۱} در نمایش‌های سالانه‌ی بعدی در معرض عموم قرار گرفت. مادر ری در سال ۱۹۳۹ به دلیل کسالت به فلوریدا نقل مکان کرد و ری نیز به او ملحق شد. ری از مادرش تا هنگام مرگ او در سال ۱۹۴۰ مراقبت کرد و سپس، خانه‌ی فلوریدا را به دلیل اطمینان‌ناداشتن از نقشه‌های آینده‌اش واگذار کرد. او به پیشنهاد دوستانش در تابستان همان سال برای ساخت فرهنگستان هنر کرنبروک اقدام کرد و در ترم پاییزی در کلاس‌ها حضور یافت.

ستاره‌ی ری و چارلز در کرنبروک به یکدیگر پیوند خورد. چارلز به‌تازگی به مقام سرپرست گروه طراحی صنعتی فرهنگستان منسوب شده بود و ری دانشجوی جدیدی بود که به هرچیز مرتبط با طراحی علاقه‌ی فراوانی داشت. چگونه و کجا این دو یکدیگر را ملاقات کردند، بر کسی معلوم نیست؛ هیچ‌یک از آن‌ها اتفاقات رخ داده در زندگی‌شان را فاش نکردند. ری چارلز را «ایمز دمتریوس»^{۴۲} در کتابش با نام *الفبای ایمز* اشاره کرد: «چارلز ری از زوج‌های مرموزی بودند که می‌توان تصور کرد... متاسفانه، از بیشتر اتفاقات خصوصی زندگی مشترکشان، مانند آشنایی و طرز عاشق شدن آن‌ها اطلاعاتی در دست نیست؛ دو نفری که کاملاً به اتفاقات خصوصی زندگی خود راف بودند، اینک در میان ما نیستند.»

وقتی چارلز و ری به تدریج با یکدیگر آشنا شدند، چارلز باید احتیاط می‌کرد؛ زیرا او هنوز متاهل بود. اگرچه ری پس از گفتگوهای ایمز دمتریوس، «رابطه‌ی او با کترین در مرز فروپاشی بود. در آن زمان، او معمولاً در تابستان سال ۱۹۴۰ به‌طور غیر رسمی از یکدیگر جدا شدند.»^{۴۳} آنجکه ری این رابطه‌ی استاد و دانشجو آغاز شد، با کار گروهی توسعه یافت و دنیای طراحی را برای همیشه دگرگون کرد. این احتمال وجود دارد که آن‌ها هنگامی با هم آشنا شده باشند که ری بلافاصله به انبوهی از دانشجویان معماری و طراحی «کرنبروک ملحق شده بود تا با جدیت در آماده‌سازی ماکت‌ها و ترسیم‌هایی که برای ارائه در مسابقه‌ای که چارلز و ائرو سارینن، دوست و همکارش در کرنبروک در آن حضور داشتند، کمک کند. این مسابقه در سال ۱۹۴۰ با نام «طراحی ارگانیک در مبلمان منزل» زیر حمایت موزه‌ی هنر مدرن (MoMA) برگزار و در اوایل سال ۱۹۴۱ اعلام شد. چارلز ایمز و ائرو سارینن در هر دو رشته‌ای که شرکت کردند، برنده‌ی جایزه‌ی نفر اول شناخته شدند. نمونه‌های اولیه‌ی ماکت، برای نمایشگاه برندگان مسابقه «ارگانیک» ساخته شد که همان سال در موزه‌ی هنر مدرن برگزار می‌شد.

با عمیق شدن رابطه‌ی آن‌ها با یکدیگر، ری که از رابطه‌ی پنهانی چارلز



ری پارچه‌ای با طرح خنک‌دار در دست دارد.

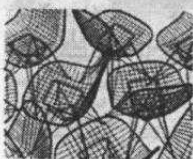
ری دو جایزه‌ی طراحی را در مسابقه‌ای که در سال ۱۹۴۷ در موزه‌ی هنر مدرن با مضمون «مسابقه برای پارچه‌های مصور» برگزار شد را از آن خود کرد.



COMBINING BEAUTY AND UTILITY...THE CHARLES EAMES MOLDED PLYWOOD CHAIR



AIRPLANE MANUFACTURING TECHNIQUES LED TO THE MOLDED PLASTIC ARMCHAIR

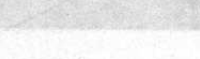
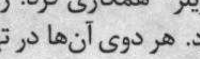
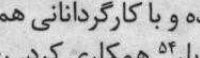
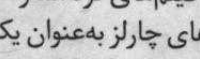
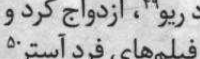
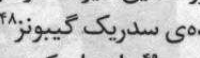
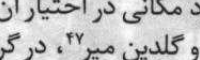
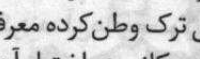
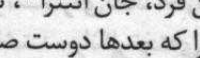
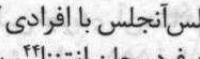
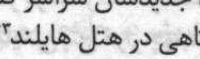
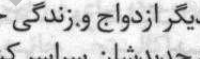
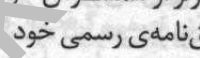
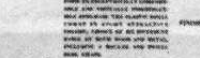
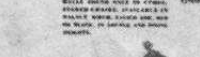
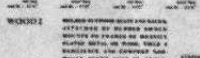


NEWEST CONTRIBUTION TO LOW-COST SEATING COMFORT: THE UPHOLSTERED WIRE CHAIR

INFORMATION, WHICH TRIGGERED PROGRESS IN HOME DECOR, THE ECONOMY OF THE CHAIRS... THE CHAIRS WERE DESIGNED BY CHARLES EAMES AND WERE THE FIRST OF A SERIES OF CHAIRS... THE CHAIRS WERE DESIGNED BY CHARLES EAMES AND WERE THE FIRST OF A SERIES OF CHAIRS...



TABLES



و کاترین ناراحت بود، کرنبروک را ترک کرد. به نیویورک بازگشت تا نزد دوستانش زندگی کند. چارلز از همسرش خواست رسماً از یکدیگر جدا شوند. آن‌ها در ماه می طلاق‌نامه‌ی رسمی خود گرفتند. چارلز ایمز و ری کیسر در ۲۰ ژوئن ۱۹۴۱ با یکدیگر ازدواج و زندگی جدیدی در کالیفرنیا آغاز کردند؛ آن‌ها با ماشین فورد جدیدشان سراسر کشور را گشت‌وگذار می‌کردند؛ آن‌ها محض رسیدن، اقامت کوتاهی در هتل هایلند^{۴۳} در هالیوود کردند. آن‌ها به مدت یک یا دو ماه، در لس‌آنجلس با افرادی که می‌شناختند، ارتباط برقرار کردند و با نیکوکارترین فرد، جان انتنزا^{۴۴}، سردبیر پرنفوذ مجله‌ی هنر و معماری آشنا شدند. انتنزا که بعدها دوست صمیمی این زوج شد، آن‌ها را به ریچارد نئوترا^{۴۵}، اتریشی ترک وطن‌کرده معرفی کرد. او در آپارتمان‌های استراتمور^{۴۶} خود در وستوود مکانی در اختیار آن‌ها قرار داد. چارلز در استودیوی مترو گلدین میر^{۴۷}، در گروه هنر مشغول به کار شد. مدیریت این استودیو به‌عهده‌ی سدريک گیبونز^{۴۸} بود. گیبونز با هنرپیشه‌ی معروف سینما، دولورس د ریو^{۴۹}، ازدواج کرد و به‌واسطه‌ی «صحنه‌های سفید مدرنش» در اولین فیلم‌های فرد آستر^{۵۰} و جینجر راجرز^{۵۱} به شهرت دست یافت. او از توانایی‌های چارلز به‌عنوان یک نقشه‌کش، در ترسیم راندهای معماری استفاده و با کارگردانانی همچون وینسنت مینلی^{۵۲}، جورج دیویس^{۵۳} و لیل آر. ویلر^{۵۴} همکاری کرد. ری روی جلد مجله‌ی هنر و معماری را طراحی می‌کرد. هر دوی آن‌ها در تهیه‌ی مقاله نیز مشارکت

ابزار پیشرفته توسط دفتر ایمز برای شرکت مبلمان هورن میلر تولید شد تا صندلی‌های تخته‌ی چندلا، فایبرگلاس و سیمی را تبلیغ کنند.



داشتند. آن‌ها در اوقات فراغت در اتاقی در آپارتمان استراتمور، روی طرح می‌مار تخته‌ی چندلایه کار می‌کردند. چارلز از زمان آشنایی‌شان به این کار مشغول بودند. آن‌ها روی طرح و اختراع چارلز که به آن «ماشین جادو»^{۵۴} می‌نامیدند، آزمایش‌های سختی انجام دادند.

چارلز در سال ۱۹۴۲ با پیشروی جنگ، استودیو را ترک کرد و روی چوب‌های شکسته، مدی برای نیروی دریایی آمریکا کار کرد. این چوب‌های شکسته‌بند زیبا، به همان اندازه کاربردی نیز بودند. بعدها به‌طور رسمی به‌دلیل کارایی چوب‌های شکسته‌بند، در عملیات نظامی از آن‌ها تحسین و تقدیر به‌عمل آمد. خانواده‌ی ایمز در شرکت تازه‌تأسیس خود با محصولات چوب تخته‌ی چندلا، به‌طور آزمایشی پنج هزار چوب شکسته‌بند برای نیروی دریایی تولید کردند؛ این کار اولین تجربه‌ی آن‌ها در زمینه‌ی تولید انبوه بود. آن‌ها مکانی را در خیابان رز شماره‌ی ۱۵۵، برپا کردند. آن‌ها در آنجا علاوه‌بر قراردادهایی که با ارتش داشتند، برانکار تخته‌ی چوب و سایر تجهیزات تخته‌ی چندلا را طراحی و تولید کردند. آن‌ها محصولات خود را به اقامتگاه بزرگ‌تری در بلوار واشنگتن شماره‌ی ۹۰۱ در ونیز گسترش دادند. علاوه‌بر سود مالی حاصل از قراردادهای دولتی، چارلز و ری به آخرین فناوری روز در زمینه‌ی مصالح و ماشین‌آلات که در جریان جنگ ساخته شده بودند نیز دسترسی داشتند. آن‌ها از این امکانات، در طراحی‌های آینده و تولید مبلمان اصلی به بهترین شکل ممکن استفاده کردند.

در همکاری زوج ایمز با مجله‌ی هنر و معماری، دوستی آن‌ها با جان انتنزا در طول سالیان بعد شکوفا شد. برنامه‌ی خانه‌ی مورد بررسی در این مجله در شماره‌ی ژانویه سال ۱۹۴۵ رسماً آغاز شد. این برنامه در جریان جنگ در سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ شکل گرفت؛ درست هنگامی که مجله از مسابقه‌ای

چارلز و ری در دفتر کار ایمز با سایر کارمندان، رابرت جکوبسن، چارلز کراتکا، فرانسیس بیشات، دون آلبینسون، جی کانرز و فرد آشر

با عنوان «طراحی چیست؟» حمایت مالی کرد. در دنیای نوین و جسور پس از جنگ که هرچیزی ممکن به نظر می‌رسید، انتنزا به هشت معمار پیشنهاد ساخت خانه‌هایی را داد که براساس اصول مدرنیست بودند، درحالی‌که فن‌آوری دوران جنگ، اقتباس از آن چیزی بود که ری ایمز و ماریلین و جان نئوترا در طراحی ایمز از آن با نام «پیش‌سازی، تولید انبوه و صنعتی‌سازی بناهای مسکونی» یاد می‌کردند. انتنزا ۳۴ خانه برای برنامه پیشنهاد کرد که ۲۳ خانه پیش از آن ساخته شده بودند. انتنزا برای برنامه‌ی خانه‌ی مورد بررسی و خانه‌ی شخصی خود یک قطعه زمین به‌اندازه‌ی پنج مترمربع در پس‌یفیک پالیساز^{۵۷} خریداری کرد. این زمین در چمنزاری بکر واقع در پرتگاهی مشرف به اقیانوس آرام قرار داشت. در این محیط زیبا، سه مترمربع برای خانه‌ی انتنزا و خانه‌ی ایمز و دو مترمربع برای خانه‌های ریچارد نئوترا و راندی واکر^{۵۸}، نظر گرفته شد. زوج ایمز در خلال سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۹ به‌همراه اثره ماربن خانه‌ی مورد بررسی شماره‌ی هشت و نه را طراحی و بنا کردند.

خانه‌ی مورد بررسی شماره‌ی هشت و خانه‌ی ایمز توسط و برای زوج حرفه‌ای طراحی شد که با یک زندگی منحصر به فردشان همخوانی داشت. این خانه با طراحی لاشن، استو بویی که در مجاور خاک‌ریز و در منتهالیه شمال شرقی ملک بود و در کنار «خانه پل»، مستقیم در سراسر علفزار و رو به دریا ساخته شد. چارلز و «خانمی پل» را حذف کرد. پلان‌های جدید، موقعیت خانه را در امتداد استو بویی قرار می‌دادند و هر دو در با یک دیوار نگه داشته می‌شدند. چارلز به‌منظور دستیابی به آنچه او «حداکثر حجم برای حداقل مصالح» می‌خواند، تصمیم گرفت، از ساخت فولادی پیش‌ساخته که از قبل به محل آورده شده بود، برای ساخت بنا براساس طراحی جدید استفاده کند. درختان سبز اکالیپتوس خانه را از هشتاد و هشت مترمربع حفظ می‌کردند و با خاک‌ریز ساخت بشر در خانه‌ی مورد بررسی شماره‌ی نه، حریم شخصی هر دو خانه تضمین شد.



چارلز، ری و جان انتنزا از چمنزار پس‌یفیک پالیساز بازدید کردند. جان انتنزا این قطعه زمین را برای برنامه‌ی خانه‌ی مورد بررسی خریداری کرد.